



## سنجش برای

## یادگیری

احمد شریفان

دانشجوی دکتری

سنجش و اندازه‌گیری

مقدمه

ابتدا باید بگویم که محور اصلی وارد شدن به این بحث، رویکرد ما به عنصر سنجش در برنامه‌هاست. به این معنا که تقابل رویکردها درباره ماهیت یادگیری، به ارائه بینش‌های جدیدی درباره ماهیت یادگیری منجر شده و در ادامه آن نقش سنتی سنجش را در ایجاد انگیزش یادگیری دانش‌آموزان نیز به چالش کشیده است. از این رو، تقسیم‌بندی انواع سنجش در رویکردهای قبلی (مانند ورودی، تشخیصی، تکوینی، مرحله‌ای، پایانی، تراکمی و نهایی) جای خود را به تقسیم‌بندی جدیدی داده است که سنجش یادگیری را در سه مفهوم به کار می‌گیرد: سنجش یادگیری (سنجش آموخته‌های یادگیرنده پس از اتمام تدریس یک موضوع)؛ سنجش برای یادگیری (تمرکز در جمع‌آوری داده‌ها برای سنجیدن یادگیری برای اطلاع از تعاملات بعدی معلم با یادگیرندگان. در این راستا افزون بر تکوین، به تشخیص نیز توجه می‌شود تا مشخص شود یادگیرندگان در حال حاضر در آن حوزه مطالعه در کجا قرار دارند)؛ سنجش به‌عنوان یادگیری (متمرکز بر آگاهی خود یادگیرندگان از دانش و درک خود).

حال اگر بر این باور باشیم که مدرسه‌های امروز جامعه فردا هستند، می‌توان گفت در چنین شرایطی انتظار از یادگیرندگان وسیع‌تر و عمیق‌تر شده و ناگزیر نقش‌های معلمان و یادگیرندگان را تحت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که هر دو از آن تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر گذاشته‌اند. این نوع رویکرد به سنجش، تقویت و تحکیم یادگیری، افزایش یادگیری و پیشرفت تحصیلی را در پی دارد و می‌توان از آن برای آگاهی از دانش، مهارت‌ها، باورهای

کسب شده یادگیرندگان درباره یک تکلیف و نیز نقطه آغاز آموزش بعدی بهره گرفت. این رویکرد بر تغییر ادراک یادگیرندگان به‌عنوان پیامد آموزشی نظارت می‌کند و یادگیری را بهبود می‌بخشد. از سوی دیگر، هنگامی که یادگیری هدف باشد، معلم و یادگیرندگان با هم همکاری و از سنجش مستمر و مداوم و بازخورد مناسب استفاده می‌کنند و یادگیری رو به جلو و پیشرفت است. در واقع می‌توان گفت، تمامی عناصر انسانی درگیر در سنجش به یکدیگر بازخورد ارائه می‌کنند. همچنین، هنگامی که سنجش کلاسی متنوع باشد، معلم اطلاعات بیشتر و همراه با جزئیات بیشتری از فرایند یاددهی یادگیری یادگیرنده (باورها، برداشته‌ها، بدفهمی‌ها، تفسیرهای نادرست، آموخته‌های ناتمام، و ارتباط دانش قبلی با جدید) دریافت می‌کند. افزون بر این، یادگیرندگان درباره یادگیری خودشان می‌اندیشند و تجربه‌های یادگیری‌شان را بازبینی می‌کنند. از این رو، اصل ماجرا در رویکردی نهفته است که به آن باور داریم و بر پایه آن برنامه‌ها را طراحی، تدوین و اجرا می‌کنیم.

تعریف

سنجش برای یادگیری فرایند جست‌وجو و تفسیر شواهد برای استفاده یادگیرندگان و معلمان است تا آنان بتوانند تشخیص بدهند یادگیرنده در کجای پیوستار یادگیری قرار دارد، به کجا می‌خواهد برود و چگونه می‌تواند به یادگیری‌اش ادامه بدهد.

اصل‌های سنجش برای یادگیری و توصیف آن‌ها

### اصل ۱. سنجش برای یادگیری باید بخشی اثربخش از طراحی آموزشی به‌شمار آید.

معلمان در طراحی آموزشی خودشان باید فرصت‌هایی را برای یادگیرنده و خودشان، به‌منظور دستیابی و استفاده از اطلاعاتی درباره پیشرفت نسبت به هدف‌های یادگیری، فراهم کنند. افزون بر این، این نوع سنجش در برابر ایده‌ها و مهارت‌های پایه انعطاف‌پذیری دارد. معلمان، ضمن طراحی آموزشی، باید از این نکته آگاه باشند که: یادگیرندگان چگونه هدف‌های آموزشی و ملاک‌های سنجش فعالیت‌هایشان را درک کرده‌اند؟ معلمان چگونه درباره فعالیت‌های یادگیرندگان به آن‌ها بازخورد بدهند؟ چگونه یادگیرندگان را مورد سنجش قرار بدهند و چگونه برای پیشرفت‌های بعدی‌شان برنامه‌ریزی کنند.

### اصل ۲. سنجش برای یادگیری باید بر نحوه یادگیری یادگیرندگان متمرکز شود.

در برنامه‌ریزی برای یادگیری، معلم و یادگیرندگان باید با هم مشارکت داشته باشند. افزون بر این، بعد از جمع‌آوری شواهد یادگیری، باید یادگیرندگان را در تفسیر آن شواهد شرکت داد تا آنان متوجه شوند چه چیز را یاد گرفته‌اند.

### اصل ۳. سنجش برای یادگیری باید مرکز فعالیت‌های کلاس درس تلقی شود.

خیلی از آنچه معلمان و یادگیرندگان در کلاس درس انجام

می‌دهند، می‌تواند به‌عنوان سنجش توصیف شود. به این معنا که تکالیف و پرسش‌های کلاسی به یادگیرندگان کمک می‌کند دانش و مهارت‌های خود را تشخیص دهند و یادگیری خود را بهبود بخشند. آنچه یادگیرندگان در کلاس درس می‌گویند و انجام می‌دهند، به‌منظور بهبود یادگیری و عمق‌بخشیدن به آن مشاهده، تفسیر و قضاوت می‌شود. فرایند این نوع سنجش، بخشی اساسی از فعالیت‌های روزانه کلاس درس به‌شمار می‌آید و معلمان و یادگیرندگان را در ارائه بازخورد و تصمیم‌گیری مشارکت می‌دهد.

#### اصل ۴. سنجش برای یادگیری باید کلید رشد حرفه‌ای معلمان به‌شمار آید.

معلمان به دانش و مهارت‌های حرفه‌ای برای طراحی سنجش، مشاهده یادگیری، تحلیل و تفسیر شواهد یادگیری، ارائه بازخورد به یادگیرندگان و حمایت از خودسنجشی یادگیرندگان نیاز دارند. معلمان باید با توسعه رشد حرفه‌ای خود این‌گونه مهارت‌ها را گسترش دهند.

#### اصل ۵. سنجش برای یادگیری باید حساسیت‌برانگیز و دارای ساخت باشد؛ زیرا هر نوع سنجشی انگیزه‌برانگیز است.

معلمان باید از تأثیر بازخوردها، نمره‌ها و رتبه‌هایی که به یادگیرندگان می‌دهند، آگاه باشند. زیرا این نوع بازخوردها بر میزان اعتمادبه‌نفس و علاقه‌مندی یادگیرندگان به یادگیری تأثیر دارند. از این رو، بازخوردهایی که روی تکلیف انجام‌گرفته توسط یادگیرنده متمرکز می‌شوند، نسبت به بازخوردهایی که بر خود یادگیرنده متمرکز دارند، بیشتر می‌توانند یادگیرنده را به یادگیری علاقه‌مند کنند.

#### اصل ۶. سنجش باید روی اهمیت آن در ایجاد انگیزه در یادگیرنده متمرکز باشد.

سنجشی که یادگیری یادگیرنده را تشویق کند، نسبت به سنجشی که یادگیرندگان را با هم مقایسه کند، تأثیر انگیزشی بیشتری بر پیشرفت یادگیرنده دارد. از این رو، سنجش برای یادگیری بر خودتنظیمی یادگیری یادگیرنده می‌افزاید.

#### اصل ۷. سنجش برای یادگیری باید درک یادگیرنده از هدف‌ها و ملاک‌های ارزشیابی از فعالیت‌هایش را بهبود بخشد.

به‌منظور اثربخشی یادگیری، یادگیرندگان به درک آنچه برای آن تلاش می‌کنند و نیز به آگاهی از هدف یادگیری نیاز دارند. از این رو، شرکت‌دادن آنان در فعالیت‌های مربوط به طراحی سنجش می‌تواند آنان را از هدف‌ها و ملاک‌های سنجش آگاه کند. به این منظور باید درباره هدف‌ها و ملاک‌های سنجش با یادگیرندگان بحث و گفت‌وگو کرد. می‌توان نمونه‌ای از تکالیف مطلوب همراه با ملاک‌های ارزشیابی مربوط به آن را در اختیار یادگیرندگان قرار داد و آنان را در فرایند خودسنجشی و دیگر سنجی همراه کرد.

#### اصل ۸. در سنجش برای یادگیری، یادگیرندگان

#### باید از این آگاه شوند که چگونه می‌توانند به خودشان کمک کنند.

یادگیرندگان برای طراحی مراحل یادگیری بعدی‌شان به اطلاعات و رهنمودهایی نیاز دارند. معلمان باید قوت‌ها و ضعف‌های یادگیری یادگیرندگان را مشخص کنند و به آنان نشان بدهند که چگونه می‌توانند یادگیری خود را بهبود بخشند. همچنین، فرصت‌هایی را برای یادگیرندگان فراهم کنند تا آنان بتوانند فعالیت‌هایشان را کامل‌تر ارائه دهند.

#### اصل ۹. سنجش برای یادگیری بر توانایی یادگیرندگان برای خودسنجشی می‌افزاید.

یادگیرندگان به‌طور مستقل این توانایی را دارند که دانش و مهارت‌های جدیدی را یاد بگیرند. توانایی درگیر شدن در فرایند خود تأملی‌شان را افزایش دهند و مراحل یادگیری بعدی خود را تعیین کنند. از این رو، معلمان باید زمینه و فرصت‌های لازم را برای افزایش مهارت‌های خودسنجشی یادگیرندگان فراهم کنند.

#### اصل ۱۰. سنجش برای یادگیری باید پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان را در تمامی ابعاد آموزشی نشان دهد.

سنجش برای یادگیری باید فرصت‌های یادگیری یادگیرندگان را در تمامی ابعاد آموزشی (شناختی، عاطفی و روانی حرکتی) فراهم کند.

#### به‌طور خلاصه، سنجش برای یادگیری

- بخشی از طراحی آموزشی است.
- روی این تمرکز دارد که یادگیرندگان چگونه یاد می‌گیرند.
- محور فعالیت‌های کلاس درس به‌شمار می‌رود.
- کلید کسب مهارت حرفه‌ای محسوب می‌شود.
- حساس است و ساخت دارد.
- انگیزه ایجاد می‌کند.
- توان ادراک هدف‌ها و ملاک‌ها را افزایش می‌دهد.
- به یادگیرندگان کمک می‌کند از اینکه چگونه می‌توانند به خودشان کمک کنند، آگاه شوند.
- توانایی یادگیرندگان را برای خودسنجشی افزایش می‌دهد.
- پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان را در تمامی ابعاد آموزشی نشان می‌دهد.

#### منابع

۱. شریفان، احمد (۱۳۹۱). سنجش پیشرفت تحصیلی: فلسفه، اصول و انواع سنجش پیشرفت تحصیلی. وانیلا. تهران.
۲. ایلر، لورنا و کاتز، استیون (۱۳۸۸). بازاندیشی در سنجش کلاسی: ترجمه محمد عسگری؛ غلامرضا یادگارزاده؛ کورش پرنده؛ نخبگان. تهران (سال انتشار اثر به‌زبان اصلی، ۲۰۰۶).
3. Brodfoot, Patricia (2002). Assessment for learning: 10 principles. Retrieved From [http://www.assessment\\_reform\\_group.org/CIE3.pdf](http://www.assessment_reform_group.org/CIE3.pdf)